



چرا رای ندادم اما سکوت کردم

مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی در یادداشتی با عنوان «چرا رای ندادم اما سکوت کردم» به ۱۰ دلیل برای تصمیمش اشاره کرد که در یکی از موارد آن چنین آورده است: «پانزدهم تیرماه امسال نشان داد بیش از ۷۷ درصد ایرانیان با ادامه وضع موجود مخالفند و بیش از ۵۰ درصد آنان حتی در دور دوم که احتمال رئیس‌جمهور شدن کسی می‌رفت که حامی سفت و سخت حجاب اجباری و اسلام زوری است و هنوز قطع‌نامه‌های تحریم شورای امنیت سازمان ملل را مهم نمی‌شمارد، حاضر به دادن رای نشدند. دکتر پزشکیان در چنین جامعه‌ای و انتخاباتی مسئولیت ریاست‌جمهوری را پذیرفته است. اکنون او یا با همکاری رهبر و منصوبانش موفق به انجام تغییرات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌شود و شهروندان بهبود ملموسی را در معیشت و زندگی فردی و جمعی خود احساس می‌کنند؛ در آن صورت از دعای خیر مردم بهره‌مند می‌شود و اصلاحات ساختاری نیز با هزینه و موانع کمتر و سرعت و شمول بیشتر ممکن می‌گردد.» وی در ادامه تصریح کرد: «در جانب مقابل استصوابیون ماجرای دولت دوم روحانی را تکرار می‌کنند. چوب لای چرخ دولت جدید می‌گذارند. آتش به اختیارها را فعال و تریبون‌های رسمی را علیه آن بسیج می‌نمایند. آن‌هم در زمانی که به احتمال زیاد ترامپ دولت دوم خود را تشکیل خواهد داد و فشار حداکثری را دوباره آغاز خواهد کرد. آنان می‌کوشند که دولت چهاردهم نیز زمین‌گیر شود و شکست بخورد. در این حالت اکثریت مردم با تحریم انتخابات بعدی و بی‌اعتنا به ارکان حکومت، خود رأساً به آزادسازی امور همت می‌گمارند. چرا که هر چه ناامیدی از حاکمیت بیشتر شود، توسل به مقاومت مدنی و نافرمانی مدنی، جدی‌تر، گسترده‌تر و موجزتر خواهد شد. شخصاً آرزوی منم و خوشنود خواهم شد که شاهد وضعیت اول باشیم و مهار مشکلات و گذار به دموکراسی با همراهی بالا انجام شود و همه گرایش‌ها، از جبهه پایداری تا مشروطه‌خواهان، بتوانند در فضای گفت‌وگویی و مبتنی بر احترام متقابل، سیاست‌ورزی کنند و در انتخابات آزاد و منصفانه رقابت پردازند و با انجام یک بازی برد-برد موجب اعتلای نام ایران و رفاه و سربلندی ایرانیان شوند. درغیراین صورت اکثریت مردم، همچنان که تاکنون نشان داده‌اند، قادرند با شیوه‌های مدنی و خشونت‌برهیز، استبداد دینی را به عقب رانند و انتخابات را کاملاً آزاد کنند و فدای بهتر را برای جامعه خویش رقم زنند.»



توانمندسازی دولت یا نقدهای بی‌وقفه؟

علی نصری، کارشناس سیاسی، در یادداشتی تلگرافی نوشت: «چند روز برای رئیس‌جمهور منتخب خط و نشان نکشیم. چند روز صبر کنیم تا پسوند «منتخب» از عنوانش برداشته شود و بعد انتقادات و ایرادات و خرده‌گیری‌ها و هشدارها را به سوی روانه کنیم. کمی صبر کنیم تا در نقش جدیدش تثبیت شود، دید و بازیدهایش را انجام دهد، در هر جلسه و مراسمی که صلاح می‌بیند شرکت کند و پیوندهای سیاسی که لازم می‌داند را برقرار سازد، بدون اینکه هر لحظه نگران «پشیمان» شدن ما از رای‌مان باشد.» وی در ادامه افزود: «تمرین دموکراسی» فقط تمرین انتقاد کردن و ایراد گرفتن و مطالبه‌گری و طلبکاری نیست، تمرین «حمایت» کردن و یاری رساندن و تقویت نمودن دولت منتخب‌مان نیز هست. اگر باید درسی از گذشته گرفته باشیم این است که تغییر و اصلاح با «تضعیف» دولت میسر نیست. بهبود وضع موجود تنها از طریق «تقویت» و توانمندسازی رئیس‌جمهور و دولتش امکان‌پذیر است. دولتی می‌تواند مطالبات ما را محقق سازد که نیروی انجام این کار را به او بخشیده باشیم و این وظیفه امروز ما در این مقطع است.»

نظر
خواهی

کابینه برای ایران

بررسی روند تشکیل دولت جدید و هشدارهای که بهزاد نبوی داد

گروه سیاست: «سه‌م خواهی» تشکیل‌ها و اشخاص برای تشکیل دولت‌ها در کشور ما از جمله نگرانی‌هایی است که دلسوزان کشور پس از هر دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به آن هشدار داده‌اند. مشکل از آنجا شروع می‌شود که نبود شاکله مناسب از جمله احزاب توانمند برای ورود یک کاندیدا به‌گود رقابت انتخاباتی که طبیعتاً دولت احتمالی او را از همان دوره رقابت به‌مرور به مردم بشناسانند، فضایی را ایجاد می‌کند که هر آنکه تلاشی برای موفقیت کاندیدایی در پیش بگیرد خود را محق بدانند پستی بگیرد و مطالبه سهم از دولت و سمت‌ها کند. حالا بماند که علاوه بر این جمعیت ستادها و فعالان در کشور ما عده‌ای هم هستند که «مجاهدین شنبه» هستند و وقتی مطمئن از پیروزی کاندیدایی می‌شوند دور آن را می‌گیرند تا به نوعی خود را در دولت جدید جا دهند. از عواقب تشکیل دولت‌های سهمیه‌ای هم که بسیار گفته شده و همین موارد عدم هماهنگی لازم برای پیشبرد اهداف برنامه‌ها و ارجحیت خواست گروهی اغلب این گزینه‌ها برخوردار است و منافع مردم که معمولاً به سرعت آثار آن بروز می‌کند و علاوه بر ایجاد ناکارآمدی در دولت‌ها، ناامیدی هم به جامعه تزریق می‌کند، کافیت. حالا روز گذشته بهزاد نبوی، از فعالان سیاسی و پیشگسوتان فعالیت تشکیلاتی که تا سال گذشته رئیس جبهه اصلاحات هم بود، به وضعیت پیش‌آمده در این دوره انتقال دولت مسعود پزشکیان واکنش نشان داده و در مطلبی نوشت: «با سلام، با مطالعه مطالب دوستان، به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده. از همه اعضای کمیته‌ها عاجزانه استدعا دارم، به خاطر ایران و به خاطر دکتر پزشکیان بینوا، دست از سهم خواهی از این گوشت قربانی بردارند.» او در ادامه پیشنهاد می‌دهد که «رئیس و همه اعضای کمیته‌ها، از داشتن پست و مقام منع شوند، تا بتوانند کمی هم به فکر ایران و آینده آن باشند.» این دغدغه و سهم خواهی‌ها در گزارش روز گذشته محمد جواد ظریف، به عنوان رئیس شورای راهبری انتخاب اعضای کابینه دولت چهاردهم نیز مشاهده می‌شود، آنجا که او تأکید کرد که بنا بر مصوبه این شورا: «هیچ‌یک از اعضای کمیته‌ها اجازه ندارند با نامزدهای مسئولیت، خارج از جلسات رسمی کمیته دیدار داشته باشند. فرد متخلف مستعفی شناخته خواهد شد. ۲- هر یک از اعضای کمیته‌ها که نامزد مسئولیتی در دولت می‌گردد، بلافاصله از عضویت

آقای نبوی با ابراز نگرانی از سهم خواهی‌ها متنی را منتشر کرده است. برای شروع بحث تحلیل‌تان از وضعیت پیش‌آمده در کمیته‌های معرفی کابینه دولت آقای پزشکیان چیست؟



علی اکبر گرجی: اینکه در چنین کابینه و دولت آقای پزشکیان تخصص‌گرایی تبدیل به یک روش و اصل شده، امری پسندیده و قابل دفاع است. آنطور که من شنیده‌ام، حدود ۴۵۰ نفر در این کمیته‌ها حضور دارند، تشکیل این کمیته‌ها نشان‌دهنده این است که دکتر پزشکیان بنا دارد تا از رفتارهای هیئتی و مبتنی بر سهم خواهی به نوعی جلوگیری کند. هدف تشکیل این کمیته‌ها این است که شایسته‌سالاری در چنین کابینه مراعات شود. از منظر انصاف، خرد و عدالت ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تکیه دکتر پزشکیان بر خرد جمعی را مورد تأکید قرار دهیم، بنابراین تکیه بر عقل جمعی کار پسندیده‌ای است و برای کشوری که در آن معمولاً سیاست عرصه خودسری‌ها و رفتارهای حق به جانب است، چنین حرکتی می‌تواند درس‌آموز باشد. گام اولی که دکتر پزشکیان در این زمینه برداشتند، نشان از فروتنی ایشان دارد، نشان از این دارد که ایشان خردمدارانه و اخلاق‌مدارانه رفتار می‌کنند و نمی‌خواهد با تشخیص‌های فردی خودش آدم‌های ضعیفی را به عنوان همکار انتخاب کند. به نظر من اصل این کار نوعی احترام به رای مردم و پسندیده است. اما واقعیت این است که آقای دکتر پزشکیان و دکتر ظریف و همه عزیزانی که در راهبری و کابینه‌آرایی نقش دارند، باید حواس‌شان به چند مطلب باشد. اولین نکته‌ای که مورد توجه است این است که افرادی باید در تیم همکاران دکتر پزشکیان حضور داشته باشند که شعارها، افکار و اخلاق ایشان را قبول داشته باشند. دکتر پزشکیانی که من در طی این سال‌ها شناختم، یک انسان آزاده، عدالت‌گرا و حساس به حقوق و آزادی‌های مردم است. نکته دوم این است که نباید در کمیته‌ها و لیست گزینه‌ها افرادی حضور داشته باشند که پیشینه‌های سیاهی در دفاع از حقوق ملت داشته باشند. نکته سوم این است که دکتر پزشکیان و کمیته‌ها باید توجه کنند آیا افرادی که داوطلب تصدی فلان پست هستند، آمادگی جان‌فشانی برای حقوق مردم را دارند؟ من خیلی سر بسته بگویم، آدمی که سابقه حق‌کشی و نادیده گرفتن قانون‌شکنی را در دوره کاری خودش دارد، نباید وارد این لیست شود.



سهیلا جلودارزاده: آقای نبوی پیشکسوت و استاد بزرگوار ما در تمام زمینه‌ها هستند و تحلیل ایشان درست است. ممکن است همیشه چنین اتفاقی - سهم خواهی - وجود داشته باشد. حتی کسانی که نبودند و تا یک هفته قبل برای کاندیداهای رقیب تلاش می‌کردند، امروز به واسطه روحیه آقای پزشکیان احساس می‌کنند که می‌توانند در اداره سهمی داشته باشند. البته ایشان نمونه خوب الگوی رفتاری‌ای را از زمان آقای خاتمی به اجرا درآورده است. در آن زمان پزشکیان در حزب خاتمی نبود اما همان موقع به عنوان معاون و پس از آن وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دعوت شد؛ آن‌هم به دلیل عملکرد خوبش. به نظر من با توجه به تمام مصیبت‌هایی که به سر ملت آمده باید در این ۸ سال نفس خود را بکشیم و هر کسی در جایگاهی که می‌داند امکان خدمت دارد، مسئولیت قبول کند. اما اینکه سهم خواهی صورت بگیرد و از نمد ملت بخواهند برای خود کلاهی بدوزند، بی‌انصافی و بی‌رحمی نسبت به آرمان‌های ملت است. هر کسی رای داده یا ترس و ششک آمده که نکند تکرار شده و هر کسی به دنبال سهم خود از سفره انقلاب باشد و حتی کسانی که فکر می‌کنند عقب مانده‌اند سهم بیشتری طلب کنند. سهم خواهی جفا و خیانت به ملت است و یک دفعه باید فکر خدمت به ملت باشیم. افرادی از اقل و تجربه‌های مختلف در دستگاه اجرایی و علم متفاوت در کارگروه‌ها حضور دارند، ممکن است اشتباه کنند و باید مراقب باشند. از سوی دیگر شورای سیاستگذاری راهبردی هم باید با دقت بیشتر بر امور نظارت داشته باشد. نمی‌شود با اقدامات جدید و ابتکاری با سرنوشت یک ملت بازی کرد. این شورا باید نتیجه کارگروه‌ها را بررسی کند و در صورت پیشنهاد افرادی معقول و منطقی از آن استفاده کنند.



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: آقای پزشکیان در طول رقابت‌های انتخاباتی، اعلام می‌کردند که محدود به یک جناح و جریان و قومیت خاص نیست و یک رای فراگیر دارد. کسانی هم به آقای پزشکیان رای دادند که منتقد وضع موجود بودند و به

در کمیته کناره‌گیری می‌نماید و با فرد دیگری با ویژگی‌های مشابه جایگزین می‌شود. «و به عبارتی نشان از تلاشی برای بی‌اثر کردن چنین روند‌هایی در تشکیل دولت چهاردهم است. در روزهای انتخابات آنچه که بیش از همه از سخنان مسعود پزشکیان بر سر زبان‌ها آمد و مورد توجه قرار گرفت، تأکید او بر سپردن کار به کاردانان و تصمیم‌گیری بر اساس نظرات کارشناسی بود؛ از طرفی به نظر می‌آید عزمی جزم شده که این بار متفاوت از هر دوره دیگری بی‌گذار به آب زده نشود و دولتی برای ایران و برای مردم شکل بگیرد. در همین راستا هم برنامه‌های مختلف حضور کارشناسان در جایگاه کمیته‌ها (فارغ از خوب یا بد بودن سازوکار) برپا شد تا مثلاً جلوی رقابت دستیابی به کرسی با لابی‌گری و سایر روش‌های غیراصولی و سهم‌گیری‌ها صورت گیرد اما اخبار روزهای اخیر و آنچه از بیرون این سازوکار به آنچه در حال انجام است، اشارتی دارد بیانگر نفوذها، تلاش‌ها و لابی‌گری‌هایی است که صدای بسیاری از آنها که به امید بهبود وضع موجود به این انتخابات چشم دوخته بودند را نیز درآورده است. گروه‌هایی به میان آمده‌اند که شاید اگر گزینه‌شان به وزارت و کرسی مسئولیتی برسد؛ فارغ از عملکرد صرفاً با نام‌شان اولین تیر نارضایتی و ناامیدی از دولت را بر دل مردم بزنند. حالا که افرادی چون بهزاد نبوی و دیگر فعالان سیاسی و دلسوزان ایران زنگ این هشدار را به صدا درآورده‌اند، امید است که گوش شنوایی باشد و آنها که بدون توجه به عواقب کارشان وارد رقابت رسیدن به کرسی‌های مسئولیت‌های قوه مجریه از طریق سهم خواهی شده‌اند، حرف این کارکشتگان سیاست را گوش دهند و کمی از پزشکیان و سایر معتمدین اطراف او در این زمینه فاصله بگیرند و رویکردی در پیش گرفته تا «کابینه برای ایران» شکل بگیرد. آنها هم که دست‌اندرکار هستند؛ گوش و چشم‌شان باز باشد و مراقب آنچه در اطراف‌شان رخ می‌دهد باشند. در همین راستا با توجه به هشدارها و گزارش‌های محمد جواد ظریف در این زمینه به مردم، گفت‌وگو‌هایی با علی‌اکبر گرجی، استاد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، استاد علوم سیاسی و فعال سیاسی میانه‌رو و سهیلا جلودارزاده، نماینده سابق مجلس و عضو حزب اسلامی کار داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

